

Monster-in-love/Mother-in-law

Iraj Esmailpour Ghoochani

کدام مادرزن؟ مادر یا زن

تاملی مردمکاوانه در باره جوک‌های مادرزن
ایرج اسماعیل‌پور قوچانی

This article is a continuation of a previous article (entitled "کدام مادر؟ لیلی یا لیلا" in Persian):

https://www.academia.edu/98936249/Which_mother_Leila_or_Lily

Abstract

The article "Monster-in-love/Mother-in-law" explores the hidden psychological connections and channels between the concepts of mother/monster and wife/woman. Using the Vertigo and cutcap topology between the two words inspired by the recent works of Don Kunze, this article explores the complex relationships and associations that exist between these seemingly disparate terms. The article argues that the blurred boundaries between these concepts can lead to confusion and disorientation, as evidenced by the classic film Vertigo, in which the protagonist becomes entranced by a woman who bears an uncanny resemblance to his deceased love interest.

The article explores further the intricate connections between the concepts of Mother, Monster, Wife, and Woman, particularly through the lenses of Vertigo and Cutcap topology. The M and W in Mother and Woman, and their respective synonyms, create an unsettling duality. The hidden psychic channels and conceptions between these concepts are explored, shedding light on the unconscious motivations and desires that underlie our everyday interactions with these archetypes in the very form that we call our "Mother in Law". Ultimately, the article aims to deepen our understanding of the complex and often paradoxical relationships we have with the maternal figure, the female spouse, and the feminine in general: Mother, Milk, Feminine, and Famine.

گفتن لطیفه در مورد مادر زن عمومیت دارد. در بسیاری از فرهنگ‌ها، شوخی‌های مربوط به مادر شوهر یا مادر زن رایج است و این موضوع برای مدت زمان طولانی وجود داشته است. در برخی از فرهنگ‌ها، مادر شوهر به عنوان شخصی دیده می‌شود که ممکن است بسیار انتقادگر نسبت به همسر فرزندش باشد. این می‌تواند منجر به تنش و اختلاف بین دو فرد شود و شوخی می‌تواند به عنوان یک راه برای کاهش تنش باشد. اما شوخی‌ها اغلب استریوتیپ‌ها یا ویژگی‌های مشترک منتسب به یک گروه خاص را انتقال می‌دهند و لذا تکرار می‌کنند. شوخی‌های مربوط به مادر شوهر ممکن است بر اساس باورها یا استریوتیپ‌های رایج درباره رابطه بین مادران شوهر و همسران فرزندانشان باشد و شاید هم علت خود را در دل خود کلمات پنهان کرده باشند. حکایت آن دزدی که هر شب گاری اش را می‌گشتند و هیچ نمی‌یافتند و سرآخر معلوم شد که گاری می‌دزیده است در زبان انگلیسی

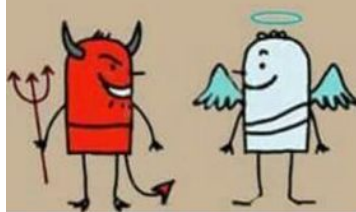
"قانون" در کلمه ی "مادرزن" میان مادر و زن فاصله انداخته است: **Mother in law**. اما در فارسی مادر به زن چسبیده است.

God said:

"I cannot be everywhere,
so I created **Mother..**"

Devil replied:

"Even I cannot be everywhere,
so I created **Mother-in-Law..!**"



خدا: من نمیتونم همه جا باشم برای همین مادر را خلق کردم
شیطان: حتی من هم نمیتونم همه جا باشم برای همین مادر زن را خلق کردم!
[/Source: https://www.pinterest.com/pin/442760207097952020](https://www.pinterest.com/pin/442760207097952020)

"مادرزن" به معنای مادرِ همسر است ولی در خود کلمه، بین مفهوم "مادر" و "زن" فاصله‌ای وجود ندارد. این فقدان فاصله باعث "سرگیجه" است که در ادامه به آن می پردازیم:
در اینجا کلمه‌ی "مادر" درست در کنار کلمه‌ی "زن" اما در کاربرد مجازی آن نشسته است: کلمه‌ی "مادر" به معنای "مادر همسر" در کنار کلمه "زن" به معنای "همسر" و ... این کاربرد مجازی در زبان فارسی بسیار رایج است و به کار گرفتن این کلمات در کنار هم در برخی موارد برای بیان نسبت و رابطه‌های خانوادگی استفاده می‌شود. دختر عمو به معنای دخترِ عمو است اما به مرور کسره حذف می‌شود و کلمات به نحو صریح تری در هم دیگر فرو می‌روند. در استفاده‌ی عادی و صحبت کردن، برای ساده‌سازی کلمات و بهره‌گیری از نمونه‌های بسیار تکراری، این کلمات به مرور زمان به صورت مخفف یا ترکیبی از کلمات دیگر به کار می‌روند. به عنوان مثال، "عروس" به "دخترم" تبدیل می‌شود¹. همنشینی کلمات بر روی خط افقی جمله بیان را به سمت بیان میل ریل‌بندی می‌کند اما فقط به نیاز می‌رسد چون ساحت ساحت مجاز است. اما درست در همینجاست که میل خود را به تمامی وارد می‌کند: در کسر شدن یک کسره. کسره‌ای می‌افتاد و جای آن را ابژه‌ی هیچ پر میکند تا زبان را باردار زخمی ناپیدا کند.

¹ خواننده‌ی محترم می‌تواند با توجه به ارتباط زبانی میان عروس و اروس یک مقاله‌ی آینه‌ای هم الان در سر خود بنگارد و نویسنده را از نوشتن آن معاف دارد.

در اینجا ما با سرگیجه روبرو هستیم. از جنس هیچکاک. در درون دو کلمه کنار هم یکی مادر نشسته و در دیگری زن و هر دو نیز ظاهراً تنها در نقش مجازی و بیوگرافیک خود ظاهر شده اند: زنی که زمانی همسر من را باردار بوده است. مادر در اینجا دقیقاً کسی است که کلمه ی بعدی را زاییده است. این کاربرد کلمه مادرزن است. ما با کل این کلمه به زنی اشاره می کنیم که مادر زنی است که اکنون همسر است. با افتادن کسره اما می شنویم: مادری که اکنون همسر است.

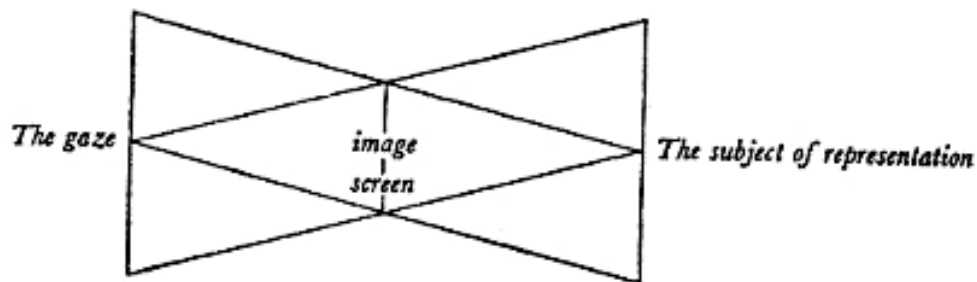


©Don Kunze on Vertigo and thaumatrope; Check: [basic description \(psu.edu\)](http://basicdescription.psu.edu)

این استفاده از کلمات به عنوان مجازی، در پردازش کلمات به مثابه‌ی رویا می‌تواند به عنوان یک روش برای اعمال تأکید بیشتر بر رابطه‌های پنهان و پردازش شده باشد. بر اساس این رویکرد، کلمات و عباراتی که در کنار هم قرار می‌گیرند، می‌توانند نشان دهنده روابط پنهان بین اجزای ذهنی فرد باشند. به عنوان مثال، استفاده از دو کلمه "مادر" و

"زن" کنار هم، می‌تواند به نشان دادن یک رابطه پنهان بین دو مفهومی که به نظر می‌رسد بی‌ارتباط هستند، کمک کند. این دقیقاً همان حفره‌ی هیچ است که از درون آن ابژه کوچک *a* زاده می‌شود.²

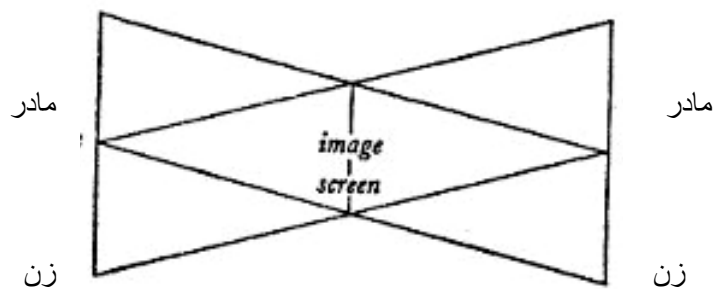
از طرفی زن که اسم جامع است و معنای مادری را نیز در خود حمل می‌کند به نقش همسری درآمده است و یا از جایگاه استعاره‌ی خود در مقام کلمه در جسم یک زن تنزلی مجازی کرده است. در این مقام مجازی کلمه‌ی "زن" به معنای زوج همسر استفاده می‌شود. بدنی که با پذیرش "انزال" از نو معنای دیگر خود را باردار می‌شود و این چرخش میان کلمه و جسم ادامه می‌یابد. در نتیجه ما در مادرزن در یک سرگیجه‌ی هیچکاکای به سر می‌بریم. جسم یکی کلمه‌ی دیگری است و کلمه‌ی یکی جسم آن دیگر و این دو مرتباً همدیگر را همچون دو آینه‌ی روبرو تکرار می‌کنند.



What is a Picture by Jacques Lacan > Source:

http://chrissimsunderstandingvisualculture.blogspot.com/2014/11/what-is-picture-by-jacques-lacan_10.html

این همان *gaze* یا نگاه خیره لاکانی است. فرد پرده نقاشی را می‌بیند اما کل نقاشی نگاه خیره نقاش است. جسمی که ناگهان در یک چرخش آنامورفیک سرگیجه‌آور در سر بیننده تبدیل به کلمه می‌شود.

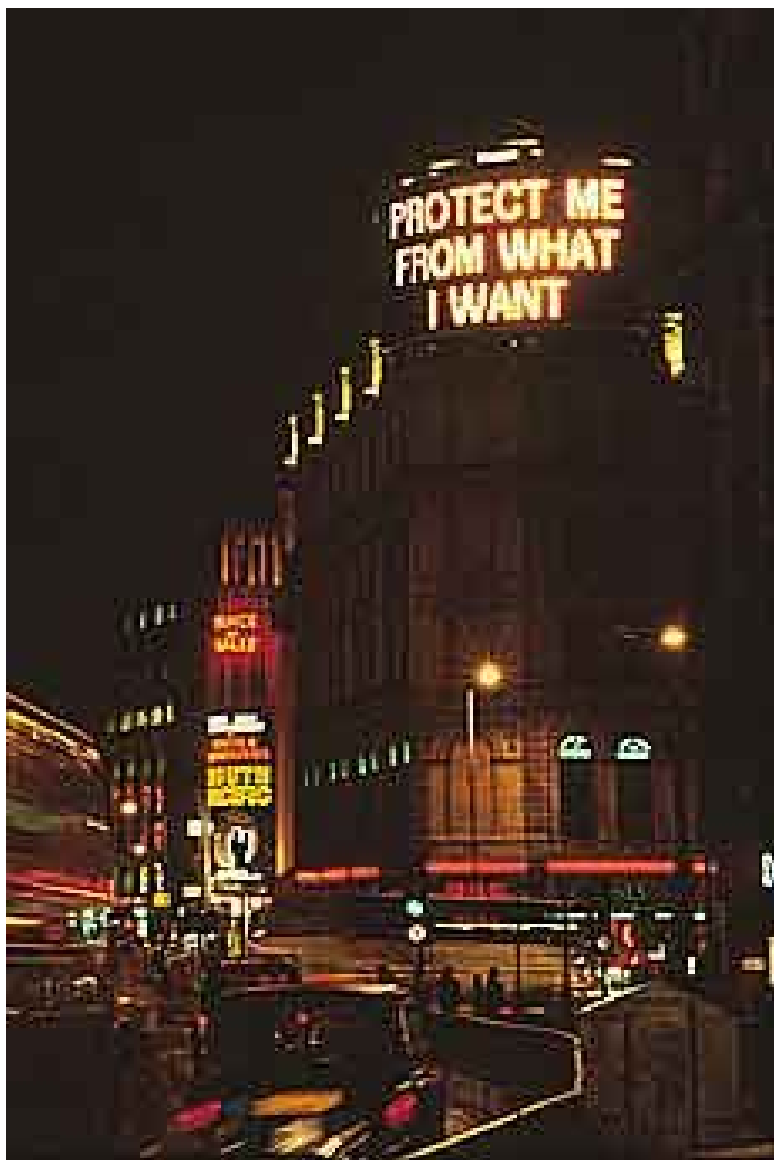


به جای تمرکز بر روی دو مثلث بر روی دو متوازی‌الاضلاع تمرکز کنید. این همان تاکیدی است که Don Kunze در مورد خوانش غلط گرافیک‌های لاکان به خصوص در سمینار ۱۳ دارد (همان). به این ترتیب در درون یک کلمه واحد زخمی لامکانی دهان می‌گشاید که مادر را به زن و زن را به مادر می‌برد. البته شاید خواننده شدن *M* در اینسو به صورت *W* در آنسوی تصویر هم برای خودش دلالت‌هایی داشته باشد.

² دونالد کونزه Don Kunze در ویدیوی خود و در تحلیل شگفت انگیزش از داستان O Henry چگونه خلق این حفره را نمایش می‌دهد: Donald Kunze: Reinterpreting Lacan's Gaze Diagram: Reading XIII, دهد: 18; URL: <https://www.youtube.com/watch?v=G1UTjrvmRU0>

ایده‌ی عشق جنسی و عشق به مادر، بیشتر به شکل یک "gaze" یا نگاهی بیش از حد عاشقانه اما توامان به زن و مادر تابانده می‌شود اما از آنجا که میان این دو «عشق» در کلمه فاصله‌ای نیست غیرقابل دسترس نمایان می‌شود. در اینجا ما با کاتوگرافی سروکار داریم: زخمی که حین بریدن همان که می‌برد را درجا خلق می‌کند. کلمه‌ی "مادرزن" در درون خود زخمی را حمل می‌کند که درست در میان دو کلمه بر روی هم چفت شده است.

لاکان جایی در خطابه‌ی تلویزیون خودش می‌گوید که غم grief به همراه احساس گناه guilt می‌آید. جنی هولتزر هم می‌گوید: من را از آنچه می‌خواهم محافظت کن. *Protect me from what I want*.



Jenny Holzer - Protect me from what I want. Source:
[/https://www.pinterest.com/pin/270849365062288185](https://www.pinterest.com/pin/270849365062288185)



گاه آنچه می‌خواهیم نه جانی بلکه خود جنایت است. خواسته‌ای که گمش کرده‌ایم.

هاملت هم خشمش از عمو این بود که جلوی چشم او همان کاری را کرد که خودش می‌خواسته بکند و با بازنمایی صحنه‌ی این جنایت همان بلا را با تدارک یک پله از سرگیجه سر او می‌آورد و انتقامش را می‌گیرد اما انتقام چیزی است و وجدان چیزی دیگر. وجدان از وجد می‌آید و به معنی پیدا کردن است. کار تحلیل اما جدا کردن است. این در خود کلمه آنالیز هم هست. اما قبل از جدا کردن چیزی اول باید پیدایش کرد.

حال باید پیدا کرد که چرا وقتی یک نفر به موقع سر غذا می‌رسد به او می‌گویند: "مادرزنت دوستت دارد؟"